

برافراشته باد پرچم بخون نشسته شهدای کرد

در آستانه سالروز حماسه ۷ شهریور، خلق مبارز کرد خون چند تن از رهبران خود را در پیشگاه انقلاب ایران و رهایی خلق کرد، عرضه نمود.

شهید فؤاد مصطفی سلطانی از کادر رهبری "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" در روز جمعه ۹ شهریور ماه در یک درگیری مسلحانه با برابر در منطقه "سرشیو" بین یانه، سقز و میوان بدست نیروهای مشترک پاسداری، ارتش و مزدوران محلی کشته شد. پس از ورود نیروهای ضد انقلابی دولت و پاسداریان میوان و یگانا افتادند و آگاههای ضد انقلابی آیت الله خلخالی، و برادر فؤاد بنامهای امین و حسین و یکی دیگر از اعضای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران بنام حسین پیرخضری و چند نفر دیگر دستگیر و بدست نیروهای فاشیستی اعدا گردیدند. فؤاد سلطانی با وجود تمام خطرات و رنجین لحظات حساسی از بنام میروان رفت تا مبارزات زحمتکشان و پیرویه ه ه قاتان آنجا را از نوسا زمانه هی کرد و ولطامات ناشی از شهادت پیرخضری و یکران را جبران نماید. در راه امر جمع در حلقه محاصره قرار گرفت و پس از چند ساعت درگیری مسلحانه با برادران خود راه را آزاد از زحمتکشان فد نمود.

پیروز باد آرمان فؤاد

فؤاد در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده روستایی میانه حال بدنی و توانمند و در ورنج ه قاتان را لمس میکرد. وی پس از ورود بدانشگاه صنعتی و شرکت در مبارزات دانشجویی، مارکسیسم - لنینیسم یعنی علمهای طبقه کارگر را پذیرفت. فؤاد از جمله کسانی بود که در پیان سال ۱۳۴۸ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را پایه گذار نمود. وی در مهرماه ۱۳۵۴ همراه

با عده ای دیگر از همزمانش دستگیر شد و تا مهر ۵۷ در زندانهای شامسیر در فؤاد یکی از برجسته ترین رهبران جنبش دهقانی کردستان بود و با اعتقاد مضی تودهای در وجود آوردن اتحادیه دهقانی میروان و اورامانات نقش بسیار پراهمیتی ایفا نمود.

فؤاد جنبش دهقانی برپا نمود

مرتجعین مثل ملا حسنی و جمران فؤادها را اصلاح میکنند

فؤاد که خود رنج ه قاتان را می شناخت، آنگنان سار و موشکافان برای زحمتکشان صحبت بقیه رصفحه ۷

در صفحات دیگر

رویدادها و اخبار کوناه

نگاهی انتقادی به گذشته گروه ما

اخبار کردستان

اطلاعیه

بر روی زمین
پیکار خلق
نیمه اول مهر ۵۸
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

تحلیلی بر جنبش خلق کرد

اوضاع عمومی:

جنبش انقلابی میهن مابعد آنکه رهبری آن در دست بورژوازی لیبرال و نیروهای مذهبی راست قرار گرفت و نیروهای انقلابی و پیرویه کمونیست از رهبری و هدایت مبارزه توده ها برکنار ماندند، در این مرحله از تکامل خویش شکست انجامید. می گویند شکست، زیرا که با وجود ضربه های سختی که طی قیام من ماه ۱۳۵۷ بر حاکمیت امپریالیسم در ایران و نیروهای ارتجاعی وارد آمد، اما مابعد سازش خائنانه ای که بین بورژوازی لیبرال و جناح راست مذهب از یکسو و امپریالیسم و ارتجاع داخلی از سوی دیگر انجام گرفت امپریالیسم و ارتجاع داخلی سرعت توانستند با دستگیری بورژوازی لیبرال و جناح راست مذهبی بقیه رصفحه ۲

حزب توده دشمن خلق ما

از زمانیکه ولتاریا به نیروی واقعی خویش بعنوان یک نیروی تکامل دهنده اجتماعی واقف گشت و قوانین پیچیده مبارزات سیاسی - اقتصادی را بوسیله سوسیالیسم آموخت، سعی نمود که خود را بر این اساس متشکل سازد. تشکل او خطر عظیمی برای سرمایه داران جهانی در بر داشت. از این جهت آنها متحد آبی به این خطر سرزد و متحد آد ردد در سرکوبی تشکلهای کارگری برآمدند. تاریخ جنبشهای کارگری را است از صفحات خونین مبارزات آنها بر علیه سرمایه داران. سرکوبیهای جنایتکارانه آنها نتوانست از قدرت مبارزات کارگران جهان بکاهد، زیرا اقتصاد کارگران با سرمایه داران جهانی در ریطن مناسبات روابط تولید کار مزدوری و مالکیت خصوصی نهفته بود و سرکوبیهای میتوانست گاه ها سرعت رو برشد مبارزات طبقه کارگر جلوه گیر ولی نه برای همیشه. لیکن سرمایه داران از طریق خطرناک دیگری راه یافته اند که همانسانفوذ در جنبشهای کارگری بوسیله روشنفکران خودی و بوجود آوردن یک فتراشرا فیت کارگر است. وظیفه روشنفکران بورژوازی آنست که پایه های اساسی مارکسیسم را که جنگ طبقاتی، درهم شکستن ماشین دولتی که کسب قدرت سیاسی نابودی استثمار انسان از انسان، از بین بردن مالکیت خصوصی جایگزین کردن مالکیت عمومی و اجتماع و... است، از بین ببرند و بجای آن صلح کنش مایانه سازش طبقات و... را تبلیغ نمایند. "عمل نشان داده است که افراد فعال در جنبش طبقه کارگر که طرفدار گرایشات اپورتونیستی هستند بهتر از خود بورژوازی مدافع بورژوازی هستند". (لنین بقیه رصفحه ۵)

پیرامون

کودتای افغانستان

خبرگزاریها و مطبوعات از برکناری نور محمد تره کی رئیس جمهور افغانستان و روی کار آمدن حفیظ الله امین اطلاع میدهند. در این ارتباط باید توجه داشت که تره کی و حفیظ الله امین هر دو از سرمداران حزب روزهیونیستی "دمکرات" افغانستان بودند. مطلبی که میشود بر آن تکیه کرد اینست که ایند و در رقابتهای جا طلبانه که در درون احزاب روزهیونیستی مرسوم است، دست به تصفیه زدند که البته حفیظ الله امین در این دعوی خانوادگی پیروز میرونی آید. این یک جنبه قضیه است. جنبه دیگر آنکه ترکی در عرض یکسال و اندکی حکومت خویش نتوانست به هیچیک از خواسته های خلق جامعه عمل بپوشاند و این چیزی بود که کمونیستها و انقلابیون افغانستان با شناختی که از ایند اردو ستده داشتند از همان اوان قدرت رسیدن این ستون پنجم سوسیال امپریالیسم روس، آنرا بر و شنی میدیدند.

خلق افغانستان که پیشینه مبارزه خلل ناپذیری را در ارمیاشد علیه اردو ستده حزب "دمکرات" نیز همچنان قاطعانه مبارزه برخاست. سوسیال امپریالیسم روس که در فتنافع چپا و لگانه اش را در تداوم مبارزات خلق افغانستان میدید، این بار نیز بوسیله "ک-گ-ب" (سازمان جاسوسی ابرقدرت روس) دست به کودتازده و صلاح را در تعویض مهره های بنید. هدف از انجام این کودتای خائنانانه اینست که از یکطرف لبه تیز مبارزات خلق را کند نماید و از سوی دیگر "مخالفان" در درون جنبه ارتجاع را بیکار بزنند. و حاصل اینکه چند صباحی دیگر عمر تنگیشان و به بقیه رصفحه ۸

خلق را متحد کنیم امپریالیسم و عمالش را درهم کوبیم

تحلیلی بر...
ضربات وارد هانقدرت
قیام امرت کند و سنگرهای دمراتیک کبد ست خلق
ونیروهای انقلابی مدافع آن افتاد بود سرعت بازیس
بگیرند . باشبه کودتائی کدرهفته آخرمرداد ماهو
اوایل شهریور انجام گرفت مرزین انقلاب و ضد انقلاب
بطور روشن و ملموس عیان گردید . این صف بندی به
روشنی نشان میدهد که امپریالیسم ، بورژوازی کیرا-
دور ، بقایای فئودالها و مالکین ارضی و همچنین بورژ-
وازی لیبرال و جناح راست روحانیت که قدرت رسیده اند
مستقیماد بربرخلق قرار اردند . بطور مشخص در
اوضاع کنونی هرگونه وعده " آزاد بهای دمراتیک "
از طرف مراکز قدرت سیاسی دروغ و توأ فریبی محض
خواهد بود که یاناشی از اختلاف درونی آنها بوده یا
صرفاً خاطر سردرگم کردن نیروهای انقلابی و کند کردن
مبارزه آنها و فریب توده هامیباشد . از گفته های فوق
د نتیجه بری نیروهای انقلابی حاصل میگردد :
الف - هوشیاری کامل در مقابل تاکتیکهای دشمن و
افشاء سیستماتیک آن .

ب - تشدید مبارزه علیه نیروهای ارتجاعی فوق الذکر
وسیع و متشکل کردن توده هادراین راه .
اهمیت جنبش خلق کرد :

از بعد از قیام تا کنون جنبش سرتاسری دمرجموع
سیر نزولی بخود گرفته است . اگر چه در این او-
نارضا بیتیهای مردم رشد نموده روحیه عدم اعتماد
به دستگاههای حکومتی و وعده های آن تا اند-
ازهای تشدید گردیده و ما شاهد برخی جنبش-
های توده ای در این زمینه بودیم مثل مبارزه
علیه گرانفروشی در تبریز و غیره . اما اینها نسه
جنبش عمومی بوده و نه تداوم و پیگیری پیدا نموده
است . زیرا که توده های مردم هنوز عمیقاً به
ماهیت ارتجاعی دستگاه های حکومتی پی نبرده
و در زندگی اجتماعی - اقتصادی خویش هنوز آنرا
باندازه کافی تجربه نکرده اند و نیروهای کمو-
نیستی هنوز دارای اعتبار چندانی بی نبرده نبوده
و در نتیجه افشاء گریهای آنها تأثیر لازم را برانها
توده ها نداشته است . نتیجه این عوامل آن شده
است که توده هاهنوز در حال خواب و بیداری
بسر میبرند و از روحیه مبارزاتی نسبتاً ناچیزی
برخوردارند . بعلاوه ارتجاع توانست از رشد جنبش
توده ای در ترکمن صحرا و خوزستان جلوگیری نما-
ید و باشبه کودتای خود نیروهای انقلابی را موقتاً
مجبور بعقب نشینی کرده و امکانات کارعلنی و
نیمه علنی توده ای را تا اندازه بسیار زیادی
محدود نماید .

در چنین شرائطی است که جنبش توده ای خلق
کرد علیه قدرت گیری حاکمیت ارتجاع قد برافراشته
است . درست اهمیت جنبش توده ای خلق کرد
در همین مسئله است . برای درک اهمیت جنبش
کردستان باید آنرا در ابعاد و موقعیت جنبش

عمومی خلق در سرتاسر ایران در نظر گرفت . در
یک کلام جنبش خلق کرد که ما ذیل آنرا بطور دقیق-
تری مورد بررسی قرار میدهم ، همچون
شعلله ای است که از میان جنبش درحال نزول و
عمومی خلقهای ایران در حال سر بر کشیدن است
و در صورت تأمین رهبری پرولتری در این جنبش و
برخورد صحیح انقلابیون کمونیست با آن میتواند
آنچنان تأثیری بر روی جنبش مردم در نقاط دیگر
بگذارد که جنبش عظیمی را در بخشهای نسبتاً
وسعی از ایران دوباره زنده نماید . از این دید-
گاه است که ما برای جنبش انقلابی خلق کرد در
شرائط حساس کنونی اهمیت ویژه ای قائلیم .
کسانی که جنبش انقلابی کردستان را بصورت
مسئله ای انتزاعی تصور کرده و اهمیت آنرا صرفاً
در چهار چوب ستم ملی بر خلق کرد تصور میکنند
مثل " سازمان چریکهای فدائی خلق " عملاً نسه
اهمیت آنرا درک کرده اند و نه میتوانند سیاست
صحیحی در قبال آن در پیش گیرند .

برای درک دقیقتر از مسئله کردستان و تعیین
وظائف نیروهای کمونیستی در قبال آن باید نخست
بچند مسئله توجه کرد .

ماهیت جنبش خلق کرد :

خلق کرد در تحت ستم چندگانه امپریالیسم ،
سرمایه داری وابسته ، بقایای فئودالیسم و ستم ملی
قرار داشته و بعلت شرائط شخص آن منطقه از
جمله عقب ماندگی اقتصادی و تمرکز تضاد های ملی
و طبقاتی مکرراً دست بمبارزه زده است و هیچگاه
مبارزه در این منطقه بخاموشی نگرایده و بارها
رژیم محمد رضا شاهی را بوحشت انداخته است .
مثلاً در سال ۴۷-۴۶ که جنبش در سرتاسر
ایران تا اندازه بسیار زیادی فروکش نموده بود ،
آتش جنگ مسلحانه در کردستان فروزان گردید .
جنبش انقلابی خلق کرد علیه ستم چند گانه دارای
محرك ملی - طبقاتی می باشد . از آنجا که نظام
اجتماعی کشور ما وابسته به امپریالیسم بود موانع
ایران ، انقلاب دمراتیک ضد امپریالیستی می باشد
و در عصر امپریالیسم دامنه مسئله ملی
به مسئله ملی و ستم مرانی گسترش
یافته (و مسئله ملی قسمتی از مسئله
عمومی انقلاب پرولتاریا قسمتی از مسئله دیکتاتوری
پرولتاریا است) - استالین) و حل مسئله ستم
ملی مربوط به حل انقلاب دمراتیک ملی میگردد ،
لذا مبارزه خلق کرد علیه ستم ملی ماهیتاً مبارزه
ضد امپریالیستی و در شرائط کنونی کشور ما بخش
مهی از انقلاب دمراتیک ملی است . اما جنبش
خلق کرد صرفاً ناشی از انگیزه ملی نبوده و دارای
جنبه طبقاتی نیز می باشد . نگاهی کوتاه به مسائل
اخیر کردستان بخوبی نشان میدهد که جنبش خلق
کرد دارای مضمون دهقانی بوده و اساساً جنبشی

دمراتیک و ضد امپریالیستی است . و بخشی از
انقلاب دمراتیک نوین ایران را تشکیل میدهد .
در پیش گفتیم که جنبش انقلابی ایران بعد از قیام
بهمن ماه در نتیجه سازش بورژوازی لیبرال و جناح
راست مذهبی با بورژوازی کیرا دور و امپریالیسم به
شکست انجامید و دستاوردهای آن بر باد رفت ،
اینک باید بگوئیم جنبش انقلابی خلق کرد ادامه
قیام بهمن ماه و ادامه انقلاب دمراتیک نوین است .
در پیش گفتیم که ناشی براین سازش امپریالیسم بعتر
به مرمت و باز سازی قدرت منززل شده خود پیر-
داخت و دست به سرکوب خلق و نیروهای انقلابی
زد . اینک باید بیفزاییم که لشکر کشی ارتجاع به
کردستان ادامه سیاست امپریالیسم و هیأت حاکمه
در سرکوب خلق و دستاوردهای قیام می باشد .
بنابراین ما بر افروخته شدن آتش جنگ در کردستان
را از یکسو ادامه سیاست ضد خلقی هیأت حاکمه
و ناشی از ماهیت طبقاتی آن میدانیم و از سوی
دیگر مقاومت خلق کرد را ادامه قیام ناگام بهمن
ماه ارزیابی میکنیم . ما این جنگ را از طرف خلق
کرد و نیروهای انقلابی آن جنگی عادلانه و بخشی
از انقلاب میهنمان دانسته و از جانب دستگاه حکو-
متی جنگی نا عادلانه و در جهت سرکوب خلق و
تثبیت منافع امپریالیسم میدانیم . هرگونه مخدوش
کردن ماهیت طبقاتی این جنگ و جدا کردن آن
از ماهیت طبقاتی دولت بیان موضعی خرد بورژ-
وائی بوده که به معاشات و مصالحه با دولت خواهد
انجامید و ماهیت ضد خلقی دولت را از آن هان
توده ها دور کرده و در نهایت ناخواسته بفریب
آنها می انجامد . (۱) یک چنین نظرات نادرستی
بطور مشخص در بیانیه " سازمان چریکهای فدائی
خلق " درباره کردستان (۴ / ۶ / ۵۸) مشهود
است که رفقای " رزمندگان آزادی طبقه کارگر " به
درستی آنرا مورد انتقاد قرار داده اند . ذکر یک
نکته در اینجا در رابطه با انتقادیه رفقای
" رزمندگان آزادی طبقه کارگر " ضروری بنظر میرسد .
رفقا اگر چه روی ماهیت طبقاتی مبارزه مسلحانه
در کردستان تأکید میکنند و می نویسند : " برای
کمونیستها و طبقه کارگر جنبش کردستان بشا به
ادامه جنبش انقلابی ۵۷-۵۶ و در جهت عالی
تر شدن آنست . مبارزه خلق کرد که با سیاست
سرکوب نظامی هیأت حاکمه وارد مرحله جدیدی
از رشد خود میشود در صورت تداوم آن رژیم را
درگیر بحرانهای سیاسی جدی خواهد نمود . . . "
و باز چند سطر پایین تر می نویسند : از این سروز
شرکت فعال کمونیستها در این جنبش نه تنها می-
تواند به عمیقتر شدن و اصولیتر شدن خود آن کک
نمایند . . . " و باز در جای دیگر : " در بسیاری از
نقاط کردستان ، دهقانان که بکلیت نیروهای مرفقی
مشکل شده بودند در مقابل بقیعه رصفحه ۳

تحلیلی بر

تجاوزات فتود الهیا
 سلحانه بیا خاسته و از ... " (بیانیه مسئله)
 کردستان و وظائف ما - تأکید از ماست)
 از تمام نقل قولهای فوق چنین استنباط میشود که
 مبارزه مسلحانه خلق کرد بر حق بوده و مشکل
 عالیتری از جنبش انقلابی سال اخیر میباشد و کمو-
 نیستها باید در آن فعالانه شرکت نمایند. طرح
 مسئله باین صورت بنظر ما کاملاً صحیح است. اما
 رفقا در جزوه " نقدی بر بیانیه سازمان چریکها"
 فدائی خلق در مورد کردستان " در صفحه ۸ می
 نویسند: " ما مخالف مذاکره در کردستان نیستیم
 زیرا در شرایط کنونی جنگ را بسود نیروهای
 انقلابی نمیدانیم. " علیرغم اینکه در ادامه، جنگ
 فرسایشی را مورد تأیید قرار میدهند اما بهر حال
 این دو موضع بنظر ما متناقض است. یکی شروع
 مبارزه مسلحانه و جنگ از جانب توده مردم را
 ادامه انقلاب در جهت عالیتتر شدن آن ارزیابی
 میکند و موضع دوم آشکارا جنگ را در شرایط کنونی
 بنفع نیروهای انقلابی نمیداند.

نیروهای سیاسی:

نیروهای سیاسی در کردستان و خط مشی سیا-
 سی که آنها دنبال میکنند در شرایط کنونی بیش از هر
 چیز در سیر آتی این جنبش تأثیر دارد.
 در بین نیروهای سیاسی کرد که در جنبش کونوسی
 نفوذ دارند آشکارا دو مشی بچشم میخورد.
 الف - مشی لیبرالیسم بورژوائی که رهبری حزب
 دمکرات مین آمنت. حزب دمکرات کردستان
 دارای خود ویژگیهای مشخصی است که بطور مشخص
 باید مورد بررسی قرار گیرند.

جناح رهبری ایمن حزب بهیچ وجه
 بیان آلام و رنجها و خواستهای توده مردم زحمتکش
 نمیشاند. آنها حتی حاضرند با مالکین فتودال
 هم سازش کنند و مبارزه دهقانان را نیز با منافع
 فتودالها سازش دهند بشرط اینکه " خود مختاری"
 آنها برسمیت شناخته شود. (۲) اما منظور آنها
 از " خود مختاری" قبل از هر چیز آمنت که قدرت
 سیاسی و یا حتی بخشی از قدرت سیاسی در جاب-
 چوب نظام جابیرانه کونوسی به آنها واگذار شود. (۳)
 " خود مختاری" که آنها مطرح میکنند بهیچ وجه با
 هدف برانداختن ستم ملی بر خلق کرد و حاکمیت
 کارگران و دهقانان نمیشاند. درست بهمین دلیل
 است که آنها هیچگاه ماهیت طبقاتی خود مختاری را
 روشن نمیکند. مارکسیستها همیشه مسائل را از
 درجه مبارزه طبقاتی به پیش میکنند. یعنی خود
 مختاری برای کدام طبقه؟ کدام طبقه در تعیین
 سرنوشت ملت کرد مختار است. ثانیاً شرایط کنونی
 نشان میدهد که مسئله رهائی خلق کرد از قید
 امپریالیسم، بورژوازی کمپرادور بقایای فتودالیسم و
 ستم ملی را جدا از جنبش انقلابی ایران و پیروزی
 انقلاب دمکراتیک ملی ایرا، مشکل میتوان تصور نمود

هرگونه جد کردن شعار خود مختاری از مضمون
 طبقاتی آن و از نظام دمکراسی خلق شعاری بو-
 رژوائی میباشد که منافع طبقاتی کارگران و دهقانان
 را در نظر ندارد. در توضیح ماهیت بورژوا -
 لیبرالی رهبری حزب دمکرات کردستان باید گفت
 که اینان حتی با دار و دسته مترج و مزد و قیاد
 موقت هم حاضر بهمکاری نمیشاند (۴) و حتی یک
 بار که یکی از سخنگویان حزب علیه قیاد موقت
 موضعگیری میکند بلافاصله رهبری حزب اعلام میدار
 که این موضع حزب نیست. اما حزب دمکرات دار
 ویژگیهای دیگری هم است. اولاً تمام حزب دمکرات
 یک پارچه نبوده، بلکه جناحهای مختلفی در آن
 وجود دارد که برخی دارای موضع مترقی و انقلابی
 میباشند (خرده بورژوائی). که بیشتر مبین منافع
 دهقانان میانه حال هستند. دوم این حزب تا
 اندازه ای در بین مردم دارای پایه توده ای میباشد
 البته بیشتر در شهرها و امروز در روستاها و روستاها
 با دولت ایستاده است و رهبری حزب با موضع
 بورژوائی در مبارزه خلق کرد شرکت میکند.

نیروهای انقلابی میتوانند با پایه های حزب هم-
 کاری نموده و سازشکاریهای جناح بورژوا لیبرالی
 رهبری را عقیم گذارند.
 هیأت حاکمه با حرکت از موضع شوینیستی و طرفدار
 از حاکمیت امپریالیسم خواهان حفظ ستم ملی بر
 ملیتهای غیر فارس بوده، خود مختاری و حق تعیین
 سرنوشت را نفی نموده و برای فریب توده ها مسئله
 خلق کرد را بصورت مسئله استانها به پیش میکند.
 ب - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران:
 این سازمان در موضع دمکراتیسم انقلابی قرار دارد
 و در آن گرایش مارکسیستی - لنینیستی بچشم
 میخورد. این سازمان با اعتقاد به مشی توده ای و
 مبارزه مسلحانه توده های وسیعاً مبارزات دهقانی
 را متشکل و بسیج نموده و در رأس بسیاری از
 اتحادیه های دهقانی قرار دارد و بهمین دلیل
 در مبارزات کونوسی نقش بسیار ارزنده ای ایفا مینماید
 کمونیستها میبایست از این سازمان پشتیبانی و با
 آن همکاری نزدیک و فزاینده نمایند.

ج - شیخ عزالدین حسینی در واقع یکی از
 شخصیتهای ملی خلق کرد است که اعتبار و محبوبیت
 وی در بین مردم میتواند بمبارزات خلق کرد در
 تحت رهبری نیروهای انقلابی یاری رساند.
 البته بغیر از این نیروها نیروهای سیاسی دیگری
 هم در جنبش کردستان شرکت دارند که بعلمت عدم
 اطلاعات کافی از کم و کیف آنها از ذکر آنها خود
 داری نمودیم.

بنابر آنچه یاد شد جنبش انقلابی خلق کرد از رهبر
 همه جانبه پرولتری برخوردار نیست.

نتیجه:

حال با حرکت از تحلیل فوق چنین نتیجه میشود
 که نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها میبایست تا

انجا که برایشان مقدور است در این جنبش شرکت
 نموده و بر عموماً شدن آن بیفزایند. کمونیستها
 باید در جهت تأمین رهبری پرولتری در ایمن
 جنبش تلاش نمایند.

همچنین میبایست با تبلیغ وسیع مبارزات خلق کرد
 نشان دادن عادلانه بودن آن و افشاء اعمال
 ارتجاعی و جناحکارانه هیأت حاکمه در کردستان
 بین توده مردم زحمتکش ایران از یکسو پشتیبانی
 مردم را نسبت بمبارزات حق طلبانه خلق کرد
 برانگیخته و یک موج اعتراضی علیه هیأت حاکمه
 بوجوهر ویم و نگاریم که ارتجاع با فراغ بال و آسودگی
 خاطر نیروهای خود را برای سرکوب خلق
 کرد بسیج نماید. باید مبارزه را در زمینه های
 دیگر و در نقاط دیگر شدت بخشیم تا ارتجاع در
 چندین جبهه مشغول گردد و از سوی دیگر میبایست
 با افشاء جنایات دستگاه حکومتی در کردستان
 از دهان مردم را نسبت به واقعیتها روشن کنیم و
 بدین وسیله آگاهی سیاسی و طبقاتی زحمتکشان
 ایران را نسبت به ماهیت هیأت حاکمه ارتقاء دهیم
 اهمیت این وظائف بخصوص در این رابطه روشن
 میگردد که قدرت سیاسی حاکمه بخصوص بخش مدنی
 آن بیش از همه بر ناآگاهی و جهل توده ها تکیه
 دارد و با عوامفریبی و سالوسی میخواهد اعمال
 ننگین خود را در دهان توده ها توجیه نماید.

توضیح:

(۱) منظور ما در اینجا صرفاً نیروهای خلقی و
 انقلابی است. نیروهای مترجی مثل دار و قیاد
 سازمان انقلابی و حزب توده این نوکران چین و
 شوروی بر اساس ماهیت ضد خلقی خود در بست
 مدافع هیأت حاکمه بوده و کاملاً طبعی است که
 ماهیت جنبش خلق کرد را وارونه جلوه دهند. ما
 در شماره آینده "پیکار خلق" در مورد ماهیت آنان
 و نقش خرابکارانه آنها در جنبش خلق کرد مفصلاً
 صحبت خواهیم کرد.

(۲) برای روشن کردن ماهیت رهبری حزب
 دمکرات کردستان احتیاج به مقالهای فصل و جدا
 گانه است. ما در اینجا تنها بذكر چند نقل قول
 و توضیح کوتاهی پیرامون آن بسنده میکنیم.

در اعلامیه ۱۶ دیماه ۵۷ کمیته مرکزی حزب
 دمکرات چنین میخوانیم: "در شرایط فعلی
 خواست فوری خلق ما تشکیل یک دولت موقت است
 که وظائف زیر را بعهده بگیرد:

۱- برچیدن بساط حکومت نظامی و تسلط نظامیان
 در سرتاسر کشور.

۲- انحلال سازمان ضد خلقی ساواک.

۳- آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی.

۴- تأمین آزادی برگشت تبعیدیان خارج از کشور.

۵- لغو سانسور مطبوعات و سایر رسانه های
 گروهی.

بقیه صفحه ۸

پرتوان باد مبارزات انقلابی خلق کرد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

زورید ادها...

کارگران تهران

نامه ای که با حظه می کنید نمایانگر عملکرد ها و سیاست های دولت کنونی در مقابل شما کارگران در لیبرو طمان است . د ولتی که هیچگاه از مبارزات شما علیه کارفرمایان دفاع نخواهد کرد . زیرا اثرات اندوزی صاحبان سرمایه تنها از طریق سرکوب مبارزات محفانه شما و پایمال کردن حق حقتان میسر است . د ولت مدافع سرمایه ازان برای کنترل کارگران و بیاد کردن برنامه های استثمار ی خویش نماینده کان خود را بدرون کارخانه

نامه سرگشاده شورای اسلامی شرکت فرش پارس قرین به وزیر کار

آقای وزیر: چرا اداره کار میخواهد همکاران رژیم منحوس را دوباره بکارگمارد

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای اسلامی کارکنان کارخانجات فرش پارس شهر صنعتی البر معروض میدارند نماینده وزارت کار در قزوین محمد حسن شاه محمدی نه فقط با این شورا همکاری نمیکند بلکه در جهت مخالفت با مبنای انقلاب گام بر میدارد نامبرده اصلا "شوراها را قبول ندارد بلکه خواهان روابطی به همان شکل قدیمی دیکتاتوری عده معدود در جهت تحمیل نظریات مرتجع خوش بر این طبقه میباشد . آری اگر شوراها مسئولینهای بزرگی را در جهت گرفتن حقوق این طبقه و ایجاد نظم و انضاط

نه ها گسیل میدارد . نمایندگان کحیات نشان با هزارو یک بند بمنافع آنها و امپریالیسم وابسته است . برای مبارز علیه ولت سرمایه ازان و استعمار امپریالیسم برای واژگون کردن نظام استعمارگرانه ، جهت بیرون راندن امپریالیسم ازان می بین فقط یک راه بیرون زدانه وجود دارد و آنهم مبارزه قهرآمیز است که میبایست تحت رهبری حزب کمونیست سازماندهی شود . لذا د تشکل خود برای هموار نمودن راه ایجاد این ستاد رهبری کنند میکوشید .

و نامه رسمی به کارخانه میبوسد که شور صلاحیت ندارد و نامبرده باید به سرکار خود مراجعت نماید .

آقای وزیر: نماینده شاداد اداره کار قزوین شورا را این چنین تهدید کرده است به آقای فریدون رضائی (آری) رئیس امور اداری اخراجی باید حقوق ماهیانه در زمان بیکاری نامبرده بپردازیم . اگر نپرداختند به اجرا میگداریم و اگر نتیجه ای نگرفتم خسارت سنگینی بر شما تحمیل میکنم . آقای وزیر با توجه به رسالت انقلابی شما و موضع منطقی و سخنرانی جامع آقای دکتر احمدزاده در تاریخ ۵۸/۶/۶ در دانشگاه ملی تکنیک رفتار و گفتار نماینده اداره کار در قزوین را چگونه توجیه میکنید؟

شورای کارکنان این کارخانه نمی پذیرد که این فرد غیر مسئول به کارخانه مراجعه نماید . از وزیر محترم و انقلابی کار خواستاریم که نسبت به موضوعات بیان شده اقدامات لازم را مبدول فرماید .

با احترام شورای انقلاب اسلامی کارکنان فرش پارس امضاء ۵۸/۱۴/۵۸ مهر شور

قولهای مساعد رامیدهند . اما کارگران مبارز خوب میدانند که تنها بطور متشکل در مقابل سرمایه د ازان استثمارگر قدرت واقعی خود را میبایند .

کارگران متحد همه چیز کارگران متفرق هیچ چیز

کردن غرب - " د ربی چهار ماه فعالیت سپاه پاسد ازان مستقر در کرب غرب موفق بکشف ۱۲ هزار نسخه روزنامه و مجله و کتاب کمونیستی و مارکسیستی در این منطقه د ایدم در ارتباط با این موضوع حدود ۳۰ نفر را بازداشت کرد ه ایم کیس از بازجویی لا زما آنها را آزاد نموده و با به کارمندان معرفی کرد ه ایم " (کیهان ۴ مهرماه ۵۸) . این سخنان " جمعه اوشیری " یکی از مسئولان سپاه پاسد ازان مستقر در کرب غرب است که با افتخار تمام بر زبان می آورد و مانیازی بتوضیح بیشتر نمی بینیم چه این گفته ها خود افشاکنده ه اعمال

مرتجعانه آنهاست و اینکه پاکبخته ترین فرزندان خلق را چگونه به بند می گنجید ، د ر حالیکمزد و ران ساواکی را مشمول عفو عمومی قرار میدهند .



د ولت ضد خلقی بازگان تبلیغات وسیعی بسراه اندخته است که گویا صنایع وابسته را ملی کرده است . اما واقعیت این است که این عمل در هیچ یک از رشته های صنعتی صورت نگرفته است . د ولت دست این سرمایه د ازان را باز نگذاشته که چون همیشه با کمک سرمایه های امپریالیستی به استثمار هر چه بیشتر کارگران دست یازند .

برای نمونه :

" آقای محمود رضائی سرمایه د امر معروف پس از اینکه از زندان با قید و شقی آزاد شد دست خود را بصورت یک فرد انقلابی و اسلامی جلوه داد و به انواع روشها هر روز شکنجه در کارگاه شکنجه می کشد نامبر معترف حضور همه هموطنان میباشد و فعالیت های ایشان د رژیم گذشته احتیاج به تذکرند ارد " نقل از بخشی از نامه کارگران معدنها و شکنجه مندرج در کیهان - د ۲۵ به ۱۹ شهریور - شماره ۱۰۷۹۸ د رواقع تعجب آور نخواهد بود که افراد مرتجع و وابسته چون محمود رضائی براد رسنا تور رضائی از جیرمخواران رژیم گذشته امروز نیز د رؤیسات و شرکتها خود د ارای قدرت فراوانی باشد زیرا د ولت بازگان چندین پیش از همه د لان امپریالیسم خواست کمسای خاطری آسود مسرما پیشان را د زیران بگرددش د آوردن و آنها نیز آیین مالی و جانی اعطا فرمودند . و بدین ترتیب می بینیم که اد و قال " ملی کردن صنایع تاجمعد تهی از واقعیت است و چگونه اعلان " همبستگی " و ریختن آب " توبه " سرمایه د ازان وابسته همچنان زمام امور اقتصادی - سیاسی میهنان را بدست دارند .



سرتیپ حسین شاگرد رجه سروانی تا سهرنگی در د قزوین به اطلاعات خدمت میکرد . این د فتر رمضان رژیم فاشیستی شاه د ارای اختیار دنا نموده د ر پیاده کردن سیاستهای ضد خلقی شامبود . و تمام انتصابات را که د سطح بالای ارتش صورت میبذیرفت زیر پوشش خود داشت . و همچنین کنترل سازمان جهنمی امنیت ورکن ارتش ضد اطلاعات بعد ه این د قزوین بود . بیک کلا کمسانی که د ر این مکان جاسوسی امپریالیسم آمریکا را میکردند میبایستی از مقریان د رگاه امپریالیسم باشند و هیچگاه میکشیدد لسوزو حامی منافع خلق نخواهند شد . شا کر مرتجع پس از قیام خونین بهمن ما موسیسه خلق دستگیر و به ادگاه " انقلاب " سپرد شد . لیکن پس از مدتی آزاد شد و سپس بعد از برکناری فرید رئیس ستاد مشترک ارتش میگردد . و د ر اجرای طرحهای امپریالیستی کشتار خلق کرد را بعد ه گرفت .

کشتار خلقهای ایران در دولت ضد خلقی بازگان

آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

حزب توده ...

درباره مبارزات علیه روبریزنیسم (صفحه ۲۷)

تازمانیکه طبقات در رجوع به بشری یافت میشوند، تجدید نظرطلبی (روبریزنیسم) سازشکاری و... نیز یافت خواهد شد. "اجتناب ناپذیر بودن روبریزنیسم معلول ریشه‌های طبقاتی آن در جامعه معاصر می باشد. روبریزنیسم یک پدیده بین‌المللی است. هر سوسیالیستی که می مطلع و تفکر یابد ممکن نیست در این مورد تردید داشته باشد." (لنین - مارکسیسم و روبریزنیسم) جالب اینجاست که این مدافعان بورژوازی در ولای مارکسیسم هواداری از آن به جنگ مبارزه طبقاتی طیف کارگر علیه استثمار سرمایه در آن میروند و نباید فراموش کرد که هر چه اساس تفکر ترماسی تجدید نظرطلبان یکپس است، لکن طرق بکاربرد خیانت آنها در رون طبقه کارگر در و ران مختلف متفاوت است و میتواند اشکال گوناگونی را بخود بگیرد. بنابراین تعجبی نخواهد داشت اگر احزابی روبریزنیستی چون "حزب توده" و "سازمان انقلابی" و دیگر گروه‌های جاسوسی سرمایه در آن در رون طبقه کارگر ایران بوجود آیند.

نگاهی کوتاه به گذشته حزب توده مواعین صریح او در سازش با سرمایه در آن از همان آغاز ماهیت او را نشان میدهد. "حزب توده" ایران صریحاً اعلام میدارد که بهیچیک از احزاب و مراحمای بین‌المللی بستگی ندارد و از آنها تمایز نمیکند. "نسبت کمونیستی به حزب توده" ایران، نسبتی که سته سید ضیاء میگویند به ما وارد سازند و بدان وسیله سعی دارند سرمایه در آن و تجاری را از ما بترسانند، نسبتی است غلط و دور از حقیقت. حزب توده ایران حزبی است مشروطه خواه و طرفدار قانون اساسی. چرا؟ زیرا ما معتقدیم که افکار کمونیسم و سوسیالیسم از دید شرایط اجتماعی خاصی هستند که در ایران وجود ندارد و اگر روزی حزب کمونیست در ایران بوجود آید آن حزب قطعاً توده نخواهد بود. (رهبر شماره ۲۸۰ - ۱۷/۲/۲۳) بوضوح میتوان دید که ساختار "حزب توده" از همان اوایل سنگ بنایش از پایه ویران بود. اگر حزب توده در آن زمان یک حزب خرد بورژوازی و رفرمیست بود، تعجب آور نیست که با روبریزنیسم خروشنده، پناه خود را در امان بورژوازی نخواست؛ شوروی بیاید. در اینجا ما قصد برخورد موثقاله نمیکند. حزب توده راند ابریم و کوشش ما در این مقاله اینست که از اشتباه و اوار زنده‌های آنها در مسائل اجتماعی ایران در رابطه با طبقه کارگر خوانند و ما مطلع سازیم. قصد ما اینست که نشان بدیم چگونه این حزب بر حسب مقتضیات و منافع اربابان روسی خود میگویند. ما شتاب تمام طبقه کارگر ایران را بسلاخ خانه امپریالیست‌ها روانه سازد. "شوروی... نیروی عمده" اروپا و گاه سوسیالیستی قدرت و امکانات شگرف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فنی، فرهنگی و... خود را بیدریغ در خدمت پیشبر امر سوسیالیسم ویرای جلوگیری از جنگ جهانی و گسترش

روبریزنیست انقلابی و جنبش‌های بخش خلق‌ها بکار می‌بندد... چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی مسئله مرکزی در مجموع مناسبات نسبت به سرنوشت تاریخی سوسیالیسم و جنبش انقلابی جهانی است. (برنامه حزب توده ایران صفحه ۱۳۰۴)

ماهیت دولت ضد خلقی شوروی چون آمریکا، فرانسه، چین و... در با استثمارگرانه‌اند در خلق‌های جهان چون چین، افغانستان، اروپای شرقی، آنگولا و کوبا و سایر خلق‌های شوروی بر همه انقلابیون اصل روشن است. سوسیالیسم امپریالیسم روس در ایران چون آمریکا ماهیت تاجرمنشانه و استثمارگرانه دارد. کافی است مسئله کارگر کی از منابع طبیعی کشور است و شوروی آنرا باغارت میبرد توجه کافی می‌دول داریم تا خصلت کمپ سود حد اکثر کیکی از مشخصات سیستم امپریالیستی است، در رابطه با شوروی بر ایران روشن گرد. "طبق آمار منتشره از بانک مرکزی (ترازنامه بانک مرکزی سال ۵۶) گاز صادراتی شوروی به حجم ۹-۱۰ میلیارد مترمکعب در سال می باشد که بهای آن از قریب هر هزار مترمکعب ۱۳/۲۰ دلار است که به صورت کالای ساخته شده دریافت میشود (با قیمت‌های بالاتر از قیمت جهانی) در حالیکه کاناد گاز صادراتی خود را ۸۱/۴ دلار برای ۱۰۰ مترمکعب و مکزیک ۷/۹ دلار برای آمریکا میفروشد" (نیوزویک ۹ فوریه ۱۹۶۹) شوروی ادعا میکند که راه‌های آن کارخانه فوب آهن و... در ایران ساخته است که گویا به رشد اقتصادی ایران کمک میکند. در واقع تولید این نوع کارخانه چیزی جز تیرا آهن و سادترین کالاهای نیم ساخته نیست که در مقابل صنایع فول پیکر جهان کنونی هیچ بحساب می‌آید. آیا اینست کمکی با اصطلاح سوسیالیستی؟؟؟ فروش سلاح‌های ضد تظاهرات، خود روه‌های ارتشی، سلاح‌های جنگی که آتش بروی مبارزان راه آزادی خلق می‌کشد، موشک زمین به هوا و... حتماً با استدلالات حزب توده در این ستون پنجم ابرق در روس برای کمک به ایجاد روابط سوسیالیستی در ایران است !!! آیا تمامی این کوشش‌ها با خطر زیر نفوذ در آوردن خلق‌های میهن ما نیست؟ ما می‌گوییم چرا چنین است. نه فقط انقلابیون ناپستی چشمداشتی بکم غرض آلود آنها اشتباهاتند بلکه میبایستی بر علیه آنها هم‌چنگند. اگر هم فرض محال این کشور سوسیالیستی میبود باز این "چگونگی مناسبات با اتحاد..." است "تحریف سادترین تجربیات انقلاب جهانی می باشد. مسئله مرکزی در سرنوشت تاریخی سوسیالیسم و جنبش انقلابی خلق‌های جهان پیشبرد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در راه انقلاب اجتماعی و خلق‌های قائم خود است، نه فقط مناسبات با اتحاد شوروی. هیچگاه ندیدیم جنبش انقلابی روبریزشود بدو آنکه شرایط عینی و ذهنی آن فراهمند می باشد. تازمانیکه این شرایط، که داخلی اند، بسرحد رشد نرسیده باشند. هر قدر دولتی انقلابی کمکی برادرانه خود را ارسال دارد، باز هم روبروی قطعی غیر ممکن است.

تصادفاً هر پیروزی بدست آید ظاهری و گذراست، ریشه ارتیست و بایک باد ناملایم فنا میشود. مسئله مرکزی هیچگاه نمیتواند یک شرط خارجی (چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی) باشد. این نوع تفکرات است که پایه‌های ما برای بدیقت روبریزنیسم را در جامعه سب می‌گرد. این چنین تفکراتی است که حزب توده مرابد نباله روی عادت داده و در هماهنگی با سیاست‌های ابرق در رون روزی از رژیم خونخوار پهلوی تمجید میکند، روز یکروز ضد انقلابی کنونی را انقلابی ناب جا میزند، و تمامی اینها بخاطر آنکه در ارتباط با منافع امپریالیسم روس، در قدرت حاکم صد لیهی وزارت و کالت بگیرد، و اگر هم صد قوانینی بنفع اربابان خود بنصوب برساند. آنها بقول لنین "... بخاطر منافع تنگ نظرانه خود حاضرند حتی قضایای بدی بهی هند سی راه نمی‌کنند". درست در این نوع تفکر نیکو ما با نه است که در مورد طرح امپریالیستی انقلاب سفید، و در برخورد با انقلابیون چنین داد سخن میدهند "بعد از ۲۸ مرداد شاه نماینده بزرگترین و مرتجع‌ترین قشر مالکان متحد امپریالیسم بود... اما پس از انقلاب سفید... شاه الزاماً نمایندگی ملاکان بورژوازی و سرمایه‌داری بزرگ رفرمانور را بعد گرفت و واحد و معینی از رژیم ارباب رعیتی و صنعتی کردن کشور فاع کرد و از تولید داخلی حمایت نمود... متأسفانه گروهی از نیروها و عناصر انقلابی در برابر اصلاحات سرگرم شده و بتکرات وظیفی و ارشع‌های سابق اکتفا کردند، در حالیکه آن‌ها شعار (سرنگون باد رژیم کودتا) - تأکید از ما است - در شرائط نوین به ضد خود تبدیل شده‌اند." (دنیای مهر ۱۳۰۴) خوب دقت کنید؛ حزب توده معتقد بود که شاه و اردو ستان می‌توانند اصلاح طلب باشند، می‌توانند در صنعتی کردن کشور کوشا باشند، می‌توانند از تولیدات داخلی حمایت کنند، یعنی مجموعاً آن اردو ستان‌های بود که در حمایت از بورژوازی ملی قدم بر میداشتند. می‌بینید که چگونه حزب توده «خان‌ها» بهر ساس همان بیش از تمجید گرید - های عاید میسازد. آنها به انقلابیون راستین خلق‌ها که معتقد تبلیغ و ترویج مبارزه محول محور سرنگونی رژیم و علیه امپریالیسم بودند خرد می‌گرفتند که چار سردر گمی و گیجی شده‌اند و قادر بدیدن واقعیات و ارتباط با شرائط نوین نیستند. ما صحت ترهات حزب توده را بعد به «خوانند می‌گد ابریم. آیا می‌داند که چرا این حزب مجبور گشتی را در سر لوجه کار همیشگی خود قرار می‌دهد؟ به این نقل قول توجه فرمائید: "حزب توده بعنوان حزب طبقه کارگر ایران طبعاً ترجیح میدهد که جناح سالم‌تر و واقع بین‌تر هیأت حاکمه زام مور را بدست گیرد تا این قشر فاسد فاشیسم‌گرا که مصالح میهن را به خطر انداخته است" (دنیای مهر شماره ۵) آری درست در ارتباط با شرکت در ترکیب هیأت حاکمه است که توره‌گدائی آنها به سواستفاد از نام حزب طبقه کارگر برداشته و یک قشر از جناح‌های امپریالیستی را متحد بقیه رصفه ۶

حزب توده...

خود میداند و در جبهه واحد خویش قرار میدهد تا بتواند در تقسیم منافع، که همیشه صلح آمیز میهنست و جنگ وجد الهی را هم پشت سر دارد، در ارتباط با اربابش شوروی شریک باشد. کسانی که تا همین اواخر پیش از آنکه خلق ما قیام مسلحانه بهمن مناصره های مملکت برپیکار امیرالایسم وارد آورد، چنین خرعبلاتی را تحویل جنبش خلق میدادند و بدینگونه انقلابیون سرچسب "چپ"، "چپ نما"، "مائوئیست" و... میزدند، ناگهان پوست عوض کرده و انقلابی می شوند.

حزب توده برای آنکه ردل قدرتمند آن جدید جایی باز کرده باشد قیام مذهب بتن میکند و در این راه به تحریف بدیهی ترین اصول کمونیستی میزند. "حزب توده ایران یک سازمان سیاسی است و نه یک جریان مذهبی، در این سازمان سیاسی مانند هر سال زمان سیاسی نظیر همه کسانی که برنامه و اساسنامه حزب را میزدند، صرف نظر از تعلقات قومی و مذهبی خود عضویت مییابند". مارکسیسمی آموزد که تفکری در جهان نیست که بر آن مبرطیقاتی نخورد باشد. بین تفکر مذهبی (ایدئالیستی) و تفکر مادی (ماتریالیستی) هیچگاه نمیتوان پل زد. انجام این چنین عملی فقط از دست سازشکاران و تجدید نظر طلبان برمی آید و پس این نقطه نظرات در تاریخ ریزینوینیستهای جدید نیست. از همان آغاز که سرکردگان اترنا سونال و دم چون کائوتسکی مذهب را امری شخصی تلقی می نمودند و آنرا ترویج میکردند، در واقع این گفته انگلس را که مذهب فقط در برابر ولت امری شخصی است ندر رسر ابر سوسیال دمرکراسی در زیر پالنگ کوب میکردند.

وابستگی های مذهبی مقلدهای طبقاتی — ایدئولوژیک است و کمونیست هیچگاه نمیتواند نسبت بآن بی تفاوت باشد. آنها وظیفه دارند آند ستار کارگرانی را ند ارای اعتقاد آند مذهبی، ولی خواهان مبارزه علیه سرمایه داران هستند، آموزش داده و به ایدئولوژی خود جلب نمایند.

حزب طبقه کارگر در ارای ایدئولوژی واحد (سوسیالیسم علمی) امت و بنابر این تمام اعضای آن ایدئولوژی را پذیرا باشند. حزب طبقه کارگر "لا مذهبی" را در کمال شجاعت می پذیرد و نمائند حزب ریزینوینیست توده و آفراتر افرانامد. حزب توده برای آنکه از یکطرف توده ها را بغیرید و از سوی دیگر رجحان قدرتمند مذهبی پایگاهی بیابد در "مردم" شماره ۲ چنین مینویسد: "در حزب ما همواره مسلمانان مؤمن عضویت داشته اند و هرگز ما برنامه و سیاست حزب ما و معتقدات صریح مذهبی خویش تناقضی نیافته اند". ایدئولوژی و برنامه حزب طبقه کارگر در تناقض شد بد با برنامه های مذهبی است، زیرا ایدئولوژی است که سیاست، برنامه و تشکیلات و... را میسازد. چگونه میتوان بین دو تفکر را بمتضاد پل زد و سیاست و برنامه یکسان پیاده کرد؟ چگونه میتوان بین سوسیالیسم، نابودکننده

مالکیت خصوصی، و اسلام تعدیل کنند و مالکیت خصوصی که در واقع مالکیت خصوصی را برسمیت میشتاند، آنگونه که ریزینوینیستهای توده ای فریاد برمی آورند، تفاوت قائل نشد؟ زمانی که حزب توده بین برنامه کمونیستها و مذهبیون اختلافی نمی بیند، عملاً مرز بین احزاب بورژوائی و حزب کمونیست را مخدوش مینماید و این عمل صد البته که از ریزینوینیستهای بعدی نظر نمی آید. حزب طبقه کارگر هیچگاه از رفتن این حقیقت پاک ندر ارد که بدست آوردن قدرت سیاسی و ساختمان سوسیالیسم را در رصد برنامه های خود قرار داده است. کمونیستها عا رند اردن که مقاصد و نظریات خویش را بپایان سازند، آنها آشکارا اعلام میکنند که تنها از طریق و ازگون ساختن قهری همه نظام اجتماعی موجود، وصول به هدفشان میسر است. اما حزب توده از آنجا که یک حزب بورژوائی است، همه سیاستهای هیأت حاکمه کنونی را تأیید کرده و چه مسا که تبلیغ آن نیز مبارزرت ورزیده است. این خائنان بآن نیروهای اصیل انقلابی که از دسیسه های امپریالیستی، چند روزنامه های سیاسی خود وجه در روزنامه های آزاد یخواه، بانوشته های افشاگران خلق را آگاه مینمودند، برجسب وابستگان به امپریالیسم میزند و با ابراز "ما می بینیم که عمل امپریالیسم ریزینوینیست سابق، جناح راست افراطی و متناظر چپ نما که بعد ها شکل درآمده اند... (مردم شنبه ۲۷ مرداد ۵۸) بارزیم ضد انقلابی جدید در توقیف روزنامه های کمونیستی و انقلابی و مطبوعات متعدد همدا میشوند. در ادامه همان مقاله مینویسند "... تنها یک مشی، مشی تقویت واقع بینانه همه جبهه از جهات مثبت رهبری سیاسی انقلاب، یک مشی درست و مسا اسلوب بزرگ کردن در اثنای مسائل غیر عمد و ایجاد محیط مساعد برای تبلیغات ضد انقلابی نمیتوان سازگار بود". اینکمیا بیست جهات مثبت یکپدیده را در نظر گرفت درست است، اما باید دید که قدرت رسیدگان جدید آیا کوچکترین قدرتشقی در جهت خلق برداشته اند و یا خیر؟ واقعیت نشان میدهد که خیر. زیرا قرار داد های امپریالیستی عمد تا هنوز با برچاندن زمین از آن کسانی که ریزینوینیستهای توده هستند، همه حقوق دمرکراتیک خلق بویژه کارگران را بایمال کرده اند و... حال چگونه میشود از جهات مثبت رهبری صحبت کرد و خواستار تقویت آن شد؟

"... همه احزاب بورژوائی حتی دمرکراترین آنها و از آن جمله احزاب انقلابی و دمرکراتیک شدند بد تضییقات را علیه رولتاریای انقلابی و تحکیم دستگاه تضییقات را که همان ماشین ولتی باشد ضروری می شمارند. این سیر حوادث، انقلاب را وارد ابره "مرکز" تمام نیروهای مخرب علیه قدرت ولتی مینماید و مجبور میکند وظیفه خود را تحریب و نابودی ماشین ولتی قرار دهد". (لنین — آثار منتخب صفحه ۵۲۷). کافی است که نگاهی به عملکرد های هیأت حاکمه جدید بیندازیم و بینیم که حزب توده چگونه با هم آوازی با آنان به ایدئولوژی رولتاریا، مارکسیسم — لنینیسم، خیانت میور

و بدلیل همین خیانت طبقاتی اش است که در مقاله "علاج کار تهید کارگران نیست" مینویسد "از یک سو کارفرمایان ضد انقلابی با مقاومت های بیچاره ربرابر مطالبات کارگران، چرخ کارخانه ها را از گردش بازی در اند و از سوی دیگر عناصر رجب و رواسعارهای فریبده کارگران را به اعتصاب و کمکاری دعوت مینماید". بجملات خوب توجه کنید که چگونه حزب توده با طرز کار ما هرانه کارفرمایان را به انقلابی و ضد انقلابی تقسیم میکند. این آقایان که د های از کارفرمایان "انقلابی" را در حزب خو مجتمع کرده اند چاره ای ند اردن جز اینکه از اعتصابات کارگری بوحشت بیفتند و قدرت مند آن حاکم هشد ار د هند که اعتصابات کارگری اساس حکومت شمارا متزلزل خواهند کرد پس بیبوهه آنها را تهید بد نکند و در صد اصلاحات "برآئید. چمجا گفته است لنین این آموزگار رولتاریا: "بورژوازی نوکرانی لا زرد ارد کمبخشی از طبقه کارگر را بپای اعتماد د اشتبا شند، نوکرانی که با عبارت پرد از به خاک و رچش خلق بیاشد و خلق را با رنگ آمیزی وعاید و امکانات رفهریستی از انقلاب منصرف گردانند". لنین — درباره مبارزه علیه ریزینوینیسم صفحه ۲۲) و این گفتار ادیهانه چه خوب در مورد حزب ریزینوینیستی توده صدق میکند.

آمیته مرکزی حزب توده در همه ارکانهای خود جبهه واحد که ائیش را مطرح میکند و حال است که بتازگی این جبهه را تحت رهبری خمینی می بیند. رهبر انقلاب، امام خمینی، با رها د ر این باره هشد ار داده و به وحدت کلمه و حفظ برادری در مبارزه دعوت کرده است. حزب توده ایران بنوبه خود، بعنوان حزب طبقه کارگر هشد ار داده و به وحدت عمل در چارچوب وظایف مشخص جنبش دعوت کرده است. که ام وحدت کلمه و عمل؟ وحدت در ریایمال کردن اولیبه ترین حقوق دمرکراتیک؟ وحدت در ربحون کشیدن کارگران د لیروطنمان؟ وحدت در رلجن یراکی با انقلابیون اصیل وطنمان؟ وحدت در ریاشیدن بد رنفاق و رخلق؟ وحدت در بسند کشیدن مبارزین راه آزادی؟ وحدت در توقیف مشربات سازمانهای انقلابی و روزنامه های متعدد؟ وحدت در سرکوب صد ای حق طلبانه خلق بپاخاسته کرد و وحدت در... بله آقایان جاسوس ابرقدرت روس شمار یک این مسائل با انحصار طلبان و قدرتمندان سیاسی کنونی وحدت در اید. کارنامه زندگی نکیتنات گویای این امر است. شهابا شالان بازی خاص ریزینوینیستهای میکیند آنها که در و ران آقایی خود در ایران، هرگونه حق طلبی خلقهای ایران را به اسم "تجزیه طلبی" سرکوب میکردند. حال اینامد فاع از "خلق عرب" و "خود مختاری" بدست بتحریم میزنند و توطئمی چینند... امپریالیسم از یکطرف میکشد این کار را با انقباب "چپ" و در قالب گروههای مائوئیستی و تروتسکیستی و آنرستی انجام دهد، تا بدینوسیله هم خود را از انظار رنهان سازد و... (مردم — شنبه ۲۷ مرداد) — چنین خرعبلات راجه کسانی باور خواهند داشت. چه کسی بقیه رصفحه ۸

پیش بسوی وحدت مارکسیست لنینیستها

برافراشته ...

میگرد که تمام مردم
اورا از جان و دل دوست میداشتند و دست بهمین
دلیل د ستکا محکومتی از شهادت وی بسیار خوشحال
شد . غافل از اینکه خلق قهرمان کرد د آتش مبارزات
خود صد هار هیرد یگرمثل قوه را آید بد خواهد کرد .
شهید حسین پیر خضری یکی د یگرا از انقلابیون کرد بود که
مدتها در هات اطراف ایوان د ر معمل بود . وی آنچنان
محبوب زحمتکشان کرد گردید که مردم او را بانامهای
از قبیل " لاله " ، دایی و موصو خطاب میکردند . شهید
قهرمان ، حسین پیر خضری د ر میان زحمتکشان بد نیسا
آمد ، د ر میان آنها زیست و در راه آرمان آنها جان باخت
مردم ستمکش ایران ! د ستکا تبلیغاتی
د ولت این پاکبختترین فرزند ان خلق را " ضد انقلابی
می وطن " و " عامل بیگانه " میخواند تا شمارا فریب
دهد . بهوش باشید ! این د ستکا مراد بود تلویزیون که
امروز اینچنین علیه خلق کرد د روگردانی میکند ، همان
د ستگاهی است که د یروز اعتصاب شمارا " ضد انقلابی "
خواند . این د ستکا محکومتی امروز د رکرد ستان کنشتر
میکند ، تا فرد اعتصاب و اعتراض شمارا بخاک و خون
بکشد .

مردم ! شما حق دارید سوال کنید اگر اعدا های د ولت
د رمورد مبارزات خلق کرد د ر ست است ، پس چرا امیریا-
لیسم آمریکا د ر ست چند روز پس از کنشتر کرد ستان موا-
فقت خود را با فروش ۴/۵ میلیارد د لار اسلحه و قطعات
بد کی نظامی با ایران اعلام میدارد ؟ مرد نر چند بد ه ایرا
مگر امیریا لیسم آمریکا د شمن اصلی ما نیست ؟ مگر شمار
تظاهراتها و راهپیماییها پتان فریاد نزد بد " مرگ بر
امیریا لیسم آمریکا " ؟ پس چرا این د شمن خونخوار ما
میخواهد این همه اسلحه د ر اختیار د ولت بگذارد ؟ اگر
د ولت واقعا عوامل امیریا لیسم و صهیونیسم را سرکوب
میکرد ، امیریا لیسم آمریکا با اسلحه میداد ؟ آیا امیریا-
لیسم آمریکا این اسلحه ها را میدهد که د ولت عوامل
امیریا لیسم - صهیونیسم و قوود الهاراد رکرد ستان
سرکوب کند و با اینکم خلق کرد را کنشتر نماید ؟
د ولت چند ی پیش اعلام نمود که عوامل پالیزیان ، اویسی
و جافها و غیره د رکرد ستان شورش بپا کرد داند و بایسن
بهانه فانتومهای ارتش ، شهرها و روستا های کرد ستان
را بمباران کردند . ما اینک این سوال را د ر پیشگاه
مطرح میکنیم که آیا امیریا لیسم آمریکا میخواهد د وونیم
میلیارد د لار اسلحه د ولت بد هد تا عوامل پالیزیان ،
اویسی و ... د ر سرکوب کنند ؟ مرد مگر کز این تبلیغات
را باور نکرد میوزی د حقیقت را د خواهند یافت .

اخبار کردستان

از جرمنهای بد الله فولادی
سبیل و شلوارلی و جساتش د ره قابل خلخالی بود د هاست ،
وقتی حسن ناهید مسئله د دفاع خود از د قانان را د ر
برابر بوش مالکین مطرح میکند ، خلخالی جلاد د رجو
میکوید " مگر تو ما را صلاحات ارضی هستی ؟ " و او را

به جرم دفاع از هقانان زحمتکش محکوم بد اعدام
می نماید .

نقل از:

«خبرنامه کردستان : شماره ۵»

د ر میان عناصر نظامی که بکرد ستان گسیل شد داند
ستوان نقشبندی نامی است که برای مردم ایران
ناآشناست ، ولی زندانیان سیاسی و خانواده آنها
این افسر کثیف را خوب میشناسند . وی یکی از جلادان
رژیم رزند ان قصبه و افسر مأمور د و ر کرات ملاقات
خانواده . مبارزان ایران میداند که او چه عنصر
پستی است . از این قبیل عناصر صرحای جمهوری اسلامی
شد و بعنوان فرمانده د ستون اعزامی د اوطلبانه بد
کرد ستان رفته اند و اعلام داشته که حاضر است جان و
مال خود را د راه ایران فد کند ؛ آیا اینها د شمنی
خود را با خلقهای ایران قیلا ثابت نکرد داند ؟

د گروهی از نیشترکاران کرد بیک واحد نظامی د ر
مریوان حمله کردند . د جریان حمله که ۲ ساعت
طول کشید گروهی از نظامیان از جمله ستوار زاهد
الیا س مجروح شد . طی چند روز گذشته بیش از ۱ نفر
د رمها باد د ستگیر شد داند ، مرد شهبه اعلامیه و
تراکت پخش میکنند و بر روی دیوارها شعارهایی علیه
پاسد اران اشغالگروا ترش مینویسند .

د ارتش برای ورود بشهر سردشت از حیل هائی
استفاد د کرد . ابتدا از طریق عوامل خود از جمله
رحمان شمای اطلاع داد بد یکه هلیکوپتر که حامل
مواد غذایی و آبی است وارد سردشت میشود ولی
وقتی این هلیکوپتر فرود آمد ، تکاوران و کلاه سبزها را
پیدا د کرد و بد نیال آن د رگیری هائی اتفاق افتاد و
شهریرا کت بستمشند . سرانجام افراد مسلح برای
جلوگیری از کنشتر مردم بمباران شهر از سردشت
خارج شدند .

د از سفر گزارش رسید بد نیال تظاهراتها د هرروز
زنان د ر شهر سقر ، یکصد دوزنان با کارد و چاقو بد طرف
پاسد اران حمله کردند . زنان هرروز د رکچه و بازار
فریاد می زنند ' هر چه زود تر ای پاسد اران سقر خارج شو ' .

د تعدد مستشاران نظامی که د روزهای اوج
قیامگاهش یافته بودند مجد د افزایش یافته است و به
نوشته بعضی از روزنامه های خارجی به ۸ هزار
نفر رسیده است . قرار است گروهی از این مستشاران
برای ترمیم کل مخابراتی را د ر مستقر سقر به این
شهر بروند . این گروه د ۲۰ نفری هستند که د ر
شرکت بل کار میکنند . هفته گذشته ۲۵ نفر مستشار
جد بد آمریکائی وارد ایران شدند که د ر هتل کنتیننتال
سکونت د اشتند . د ر میان این عد متخصصان جنگی
چریکی نیز هستند که مدت ها د ر بیتنام بودند داند .

د اخیراً یک فرود آواکس با ایران تحویل داد شده
است . قرار است از این آواکس همرا با مستشاران نظامی
آن د رکرد ستان استفاد شود .

نقل از:

«پیکار : شماره ۲۰»

د یک پاسد ار با گریه میگوید : چند ی پیش ۲۰ نفر
پاسد ار ایلامی را به بندج میبردند تا از آنجا بد سقر
اعزام کنند . این عد پس از برخورد با مردم سقندج و
شنیدن حقایق از رفتن به سقر سربازی زنند ، د ر نتیجه
آنها را د ر ونیت (یکبار ۱۳۰ نفر و بار دیگر ۹۷ نفر)
بد ایلام برمی گردانند . یکی از پاسد اران که شدیدا
تحت تأثیر قرار گرفته بود ، پس از گذشتن د رجولوی بازار
شهر برای مردم از مشاهدات خود صحبت کرد و می-
گوید : اینها اورد ست ه پالیزیان نبودند ، اینها خود
مرد بودند ، د و د ر حالیکه سخت متأثر شدند بد شروع
بفکر بکردن می کرد و مرد د ر تحت تأثیر قرار بد هد ،
هم اکنون د رایلا د کتر کسی حاضر است بشهرهای
کرد ستان برود ، بخصوص که مرد شهید داند پس از خلخ
سلاح مرد آنجا نوبت مرد بد این منطقه است .

د پاره - خیر رسید که یکی از تیرباران شدگان
پاره د ختر ۱۶ ساله ای بود د است که تا لحظه اعدام
سرود (شه رقیب) سرود ملی خلق کرد را بر لب داشته
و بهنگام تیرباران فریاد سرداد که (بیا کرد ستان
بیانمان) یا کرد ستان یا مردم ، فریاد او پشت
همه حاضرین را بلرز د آورد د است .

آمریکا یک نیروی ویژه تشکیل میدهد

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه - ژنرال ادوارد مایر
رئیس جدید ستاد ارتش زمینی آمریکا رسما اعلام کرد که
تصمیم گرفته است کار تشکیل یک نیروی ویژه یکصد هزار
نفری را دنبال کند .
وی گفت این نیرو تنها برای مداخله فوری د ر منطقه
خلیج فارس ، خاورمیانه و نواحی نفتخیز تشکیل نمیشود ،
بلکه هدف آن ایجاد آن مداخله سریع د هر نقطه از جهان
است که رئیس جمهوری آمریکا تشخیص می دهد .
ژنرال مایر گفت که برای تشکیل این نیرو احتیاج به
استخدام نفرات جدید نیست ، بلکه افراد این نیرو از میان
نظامیان و رزیده آمریکائی که آنگ د ر واحد های مختلف
خدمت میکنند برگزیده میشوند .

اطلاعات سه شنبه ۲۷ شهریور
تشکیل یک چنین نیروی ویژه ای به چه مقصودی صورت
میکبرد ؟ سخنان ژنرال ادوارد مایر رئیس ستاد ارتش
زمینی آمریکا د اف خائانه امیریا لیسم خونخوار
آمریکا را بصراحت بیان میکند . بدید ما وظیفه این
نیروی ویژه و مایضرتی چنین است :

- ۱ - سرکوب جنبشهای اصیل رهایی بخش د ر منطقه
خلیج و بکردن جهان
- ۲ - حفظ و تحکیم منافع امیریا لیسم آمریکا د ر خاورمیانه
و همچنین د ر هر نقطه ای د یگرا از جهان
- ۳ - تقویت هر چه بیشتر نیروهای رزنی امیریا لیسم
آمریکا د ر رابطه با رقابت با سوسیال امیریا لیسم روس .
کونیستها موظفند علیه هرگونه مداخله امیریا لیستها
د ر هر نقطه جهان مبارزه نمود و با نیکو عملگرها را د ر
بین تود ه ها افشا نمایند .

نگاهی

نگاهی انتقادی... بعنوان «جریان مبارزاتی» یک تراخرافی می‌باشد. زیرا مبارز علی‌حجت افسروزی امیرالیهستاد رطبن و مضمون همان مبارزه برای رهاائی ملی و انقلاب اجتماعی نهفته است و جد اگر در آن از این متن گلی و حساسی جد انکساری آن باز کرد در مفهوم رفرمیستی و سازشکارانه پیدا خواهد کرد.

گروه د ر آن زمان تحت تأثیر مواضع و تبلیغات ثنوری "سمجها ن" یک چنین مواضع انحرافی اتخاذ کرد.

البته باید تأکید نمود که این مواضع هرگز منشی گروه تبدیل نکرد و بدینها بصورت انحرافات جزئی و معرقتی د مواضع ما بروز نمود و بعد از یک مدت د کوتاهی طی یک مبارزه دحاد د رونی ما دست باصلاح این انحراف زدیم و عناصری را که میخواستند منشی گروه را بریزیم رچون نگین ثنوری "سمجها ن" بشکند از صوف خود طرد نمودیم.

پیرامون کودتا...

چراول خویش اده د هند . اماهزی خیال باطل . یک ننگه د یگزیزلازم بیاو آوری است و آن اینکده از طرف دیگر امیرالیستهای غرب به آن د ستهازافشار و طبعاتی که توانند غارتگری آنها را تأمین نمایند کمک مینماید . از جمله این د اردو سته باخشی از حزب " اخوان المسلمین " است که د ریوشن اسلام و پاسو استفاد ه از اعتقاد اتمه هبی خلق د رصد د تأمین منافع امیرا لیمیم غرب برآمد هاست . اینان د رگفرانس کشورهای اسلامی د ر اسلام آباد شرکت کرده و مضاطه کری از چهره د امیرالیم می پر دازند . " د ولت کونیستی افغانستان مستشاران غربی یعنی د ولت برادرود ست آلمان غربی را از افغانستان فراخوانده هاست " (شهادت ارگان اخوان المسلمین) . می بینیم که این د اردو سته ه جگونه د زمزمه رها رزم حاکمه د ابستمیه شوروی میزنند . د حالیکه خود عامل سیاستهای غارتگرانه د امیرالیس مرب است و از وجود مستشاران آلمان د فاع نموده و د ولت امیرالیستی آلمان را د وست و برادر خطاب می کند . د بدیده د حزب فوق الذکر فقط د رجاء و جوب تضاد رقابت بین د ابرقدرت بایکدیگر مخالفت دازند که البته یکی د قدرت است و دیگری برای کسب قدرت یی گوشت . د وظیفه هرد و اینست که ا مبارزات خلق برای افغانستانی آزاد و مستقل جلوگیری نمایند . د رای خلق افغانستان فرق نخواهد داشت که د ام امیرالیست د ر کشورشان حاکم باشد . آنها با همه امیرالیستها ، چه غرب و چه شرق ، و بر علیه ایدای و وابستگانشان سخت مبارز مینمایند . د رجال حاضر کونیستها و نیروهای اصیل انقلابی مستقل مبارز را علیه همه امیرالیستها و بویژه د امیرالیسم حاکم د افغانستان ، ا بر قدرت امیرالیستی روس ، به پیش می برند . باشد که خلق افغانستان با مبارزات پیگیر خود بر علیه قدرت سیاسی - اکمه و احزاب مرتجع چون " اخوان المسلمین " جبهه د واحد انقلابی را به رهبری حزب کونیست واقعی تشکیل د اده و به پیروزی

تحلیلی بر...

اماعت و ریشه، بروز یک چنین مواضع انحرافی و رگرو صا
باز اساساً، همان بیش خرد میوزوئی مآوا جی ایون
از عرصه اصلی مبارزه طبقاتی نهفته است که رانجها
بصورت و نالرو وی کور کور اندازین یا آن موضع ظاهر
گردید میود .

انتقاد از گد شته بازارد و دید میواند مطرح باشد . اول
از این دیدگاه که تحت عنوان انتقاد از گد شته خود را
ارضا نمود و همان اشتباهات را در پره «سانری از
انتقاد» در پوشش دیگری در امده هیم . و دم زید گآ
انتقاد و اصلاحی یعنی بند گرفتن از اشتباهات گذشته
خاطر احتجاب از آن درآیند . مایاید شوق و م را
انتخاب کنیو باید آآر در عمل خود نشان د هیم . برای
میل ماین مقصود باید همرو و فعالیت ، اعمال و رفتار
خود را همرو سنجش قرار د هیم و ببینیم که آیا واقعاً تغییر

کرد و هیولایانکه همان رانگ شتر را اممید هیم .
نکته آخر اینکه اگر امروز عرصه اصلی مبارزه ششمین این
بدان مقوم نیست کتعام انتقادات و تمایضها خوب
بخود مرتفع گردیده است . خیر . بنظر ما اینک زمینه
ماد یرق آن برقرار گردیده ولی مبارزه اید ثلویثک
رونی ، بررسی نقاد انومستمر فعالیتهایمان ضامن
برطرف کردن این نواقض و انحرفات میباشد . ما تا این
حد توانسته ایم اشتباهات و انتقادات خود بی بریم .
ما از سایر نیروهای کمونیستی وطن انتظار داریم کبیه
اشتباهات ما بر خور حد ینموده و در جهت اصلاح
مایکوشند . البته روشن است کوظیفه اصلی بعهد ه
خود مایباشند ، اما انتقاد دیگران میتواند مارادراین
جهت یاری دهد .

میگوید: "اصولاً نکرده‌استان طبقاتی نداریم که آنرا بتوان دشمن خلق کرد تلقی کرد" حزب دموکرات که ادعای نمایندگی زحمتکشان را دارد آگاهانه و عامه‌أبر برای فریب‌توده‌ها و برای آشتی دادن منافع دهقانان با فئودالها و نیروهای ارتجاعی، وجود فئودالها و نیروهای ارتجاعی را نفی میکند. پیرشیخ عثمان، کهنه‌پوش، جافها، شیخ‌های و سایر فئودالهای که سلعانه بقتل عام دهقانان پرداختند بزم آقای قاسمو دشمن خلق نکرد نیستند. باز در همان مصاحبه قاسمو بپیر-مانه میگوید: "سازمانهای ارتجاعی و یا حسی نیست راستی در این منطقه وجود ندارد"

آری اینجا صحبت درست بر سر دارو بسته جاش
قیاده موقت است که باز بنعم فاسلمو متریق میباید
از همین چند نقل قول کوتاه ماهیت ضد انقلابی
فاسلمو و نظائر وی بخوبی روشن میگردد.



حزب توده

پند ارد کمبازات حق طلبانه خلق کرد ، عرب ، ترک ، بلوچ و . . . با کمک ایاد شاه سابق و امیرالیسم فکور را "جپ" (بخوان کمونیست) نشان میدهند . انجام بگیرد هیچ کس جز آنها نیست که با شما " وحدت بگم" دارند . یعنی مرتجعین ، امیرالیستها . این چنین اتحادی از برای شما یار .

خلاصه کنیم: در اردو سته عزب توده چون همیشه در موضع دفاع از یک سیاستهای ارتجاعی حاکمان ندرت مند قرار گرفته است و بهزادیک در سینه دست سبز تاجل نظر حاکمان جدید را بنامد و از این طریق بمتافع جیالو گرانه سوسیال امپریالیسم روس را برانجامه عمل بیوشاند.^۲ بنابراین باز هم میگویم مبارزه علیه امپریالیسم جدید از مبارزه علیه رومیزیونیسم امکان ناپذیر است

در خواستهای فوری حزب، از قطع نفوذ امپریالیسم،
مصادره و تقسیم زمین، نابودی ارتش ضد خلقی
و هیچ حرفی در میان نیست.

(۳) "توجه در این لحظه احتیاج داریم اعتماد
متقابل بین قدرت مرکزی و خلق کرد است.
ما بی تردید همه کوشش خود را در این راه بکار
برده و میریم" (مصاحبه) قاسموبا آیندگان ۱۶
اسفند) از این گفته بخوبی روشن میگردد که قاسموبا
میخواهد "خود مختاری را در چوب همین نظام
وابسته به امپریالیسم و از همین هیأت حاکمه خائن
و جنایتکارگانه ای کند .

(۴) قاسموبا در مصاحبه ای با آیندگان ۱۶ اسفند

قطعی که همانا استقرار جمهوری و مکرراتیک خلق و
نهایتاً دست یابی به سوسیالیسم واقعی است ،
دست یابند .

نگاهی انتقادی...

اختلاف در همان حد اختلاف نظریاتی ماند موبحت و مد اگر نرسیدند .
گفتم که محفل ماد تمام این دوران فاقد مشی ، برنامه و شکل سازمانی روشن بود . سرانجام بعد از چندین بار تصمیمگیری و مرور تدوین مشی سیاسی و برنامه عملی و سازماندهی و چندین بار شکست در اواخر سال ۱۳۵۵ موفق شدیم یکمکانه وین یک خط مشی ، که حاوی برخی نظرات نادرست هم بود ، دست سازماندهی بزمین آغاز حیات و فعالیت متشکل گروه ما را باید اوایل سال ۱۳۵۶ دانست .

* * *

گروه ما که از رده رده و در آن محفل و بیعی شکل گرفته بود ، علیرغم نقی و انتقاد گذشتگان که نگاههای بسیار از درون محفل را با خود همچنان حمل میکرد ، وی — بایست طی یک دوران مبارزه رونی ، جمع بندی از فعالیتها و انتقاد و انتقاد از خود و رصد رف این نگاه منفی برآید و با گذشتگی قطع رابطه کند . بریدن از گذشتها و در انتقاد همچنان به آن یک امر ساده — ماکه نیکی نبود . انجام آن منوط بتغییرات اساسی در تفکر و ایدئولوژی ما بود . یعنی بدو شناخت ریشههای ایدئولوژی آن ، بدو بررسی شرایط ماد ی آن ، این در گرونی در تفکر و ایدئولوژی امکان پذیر نبود . اگر چه گروه ما در این مرحله دست بتغییرات روزنامه ساری انتشا رات زد و در عرصه جنبش کمونیستی خارج از کشور ابراز وجود نمود ، اما کار اصلی یعنی بریدن از گذشتها و امر سازماندهی بسیار کند و ناقص پیش میرفت . تضاد اصلی درون ما در این مرحله عبارت بود از تضاد بین حرفی انقلابی و عمل انقلابی . مفهوم عمل انقلابی برای گروه ما در آن شرایط عبارت بود از سازماندهی و کار در جهت ایران . اما گروه ما در آن زمان هنوز نتنها برنامه معین برای آن نداشت بلکه اصولاً بطور جدی بدو ان برخورد نمیکرد . ما اگر چه برای پیشبرد مسائل مربوط بجنبش دانشجویی خارج از کشور سازماندهی نسبتاً مناسبی بوجود آوردیم ، اما برای کار کمونیستی در رابطه با محفل اساسی گروه ، یعنی حل مسئله انتقال با ایران ، موفق سازماندهی جدی نشدیم . بجز آن میتوان گفت در این مرحله اگر چه از نظر تئوریک ، مشی و مواضع سیاسی رشد نمود هوشنگ گرفتیم ، اما از نظر سازماندهی و تشکیلات و در مجموع عمل انقلابی هنوز محفل بودیم . علت این ضعفها بطور اساسی در ریش خرد موزروانی نهفته بود و ما سادگی نمیتوانستیم دست بیک تصفیه حساب قطعی بابینش خرد موزروانی خود بزنیم . زیرا که زمینه اصلی پراتیک ما جنبش دانشجویی بود و بر این زمینه ماد ی تفکر و بینش ما بسختی میتوانست جهاد و چوب تفکر و بینش خرد موزروانی را در هم بکوبیم . زیرا که هستی اجتماعی تعیین کننده شعور اجتماعی است برای اینکه ما واقعاً بتوانیم تفکر خرد موزروانی خود مبارزه کنیم ، میبایست زمینه ماد ی فعالیت خود را تغییر میدادیم . یعنی میبایست حد اقل بخش اعظم

فعالیتمان در رابطه نزدیک با زندگی و مبارزات زحمت کشان قرار میگرفت . بزرگترین و اساسی ترین انتقاد ی که ما وارد است مسلماً همین انتقاد میباشد . ریشه این انتقاد در تفکر خرد موزروانی گروه ما نهفته بود و تظاهر آن باین صورت بود که ما بیشتر خود را با مسائل جنبش دانشجویی خارج از کشور سرگرم میکردیم تا بوظایف اصلی کمونیستی بپردازیم . بجز آن باید گفت که آن سالی وی بند و باری خرد موزروانی بر فعالیت ما غلبه داشت ، البته مسئله انتقال فعالیت عمده گروه ما بایران در ای یک سری مشکلات نیز بود . از قبیل اینکه کار رهای اصلی گروه دست بعلت فعالیت زیاد در رجینش در مکرانیک خارج برای دستگامجهنی ساواک شناخته شد بود و انتقال آنها بایران احتیاج با مکاناتی جهت زندگی مخفی داشت . لکن تنها راجع خروج از این بن بست برای گروه ما تنها راه حل مشکلات همانا شکستن این سد بود . گروه ما بجای اینکه گامهای اساسی در این جهت بردارد و فعالیت خود را اساساً در رفع این مشکل متمرکز سازد ، با غیر قابل حل جلوه دادن این مشکلات عملاً در مقابل آن کرنش میکرد و به همین دلیل با وجود اینکه ما همواره مشکلات گروه ما را بویست و گوشت خود لمس میکردیم ، با وجود اینکه ما هاتصمیم محل و مرتفع نمودن آن میکردیم ، اما دست بدلیل اینکه رجاء اصلی گام ننهادهایم بلکه کوشش میکردیم که گروه ما راههای توجیه گرایانه برای آن بدست دهم ، نتنها قادر بحل معضلات گروه نی شدیم ، بلکه مشکلات دیگری بر آن افزود میشد . بینش خرد موزروانی حاکم بر گروه و همواره موجب آن میکردید که ما از آنچه که باید انجام گیرد و بالطبع مشکل است سر باز زد و موانع حاصل الحصول است دل خوش کنیم . ما حتی برای آن عدّه قلیلی از رفاه که بایران آمد میوند هیچ گاه نتوانستیم برنامه دقیق داشته باشیم . این حالت منفعل نسبت با اساسی ترین وظیفه پیش پای گروه ما باید بعنوان ایورتونیسیم است بباد انتقاد گرفت . ما بویژه بر روی این انحرافات درون گروه تکیه میکنیم ، زیرا که آنرا ریشه و اساس کلیه انحرافات دیگر ارزیابی مینمائیم . در تحت تأثیر عوامل منفی فوق ، توافق عدیده دیگری نیز در کار گروه ما بروز میکرد . مهمترین آنها عبارت بود از :

* عدم جدی گرفتن تربیت کادر و افراد پرتجرب و مباحث و انضباط تشکیلاتی و در مجموع ضعف تشکیلاتی
* فقدان یک برنامه عمل و در نتیجه بروز هرج و مرج در رشتههای مختلف فعالیت
* گروه ما دست بعلت در ویران از عرصه اصلی مبارزه در برخی موارد در تحلیلها ی خود از اوضاع در چارن هن گراتی مطلق میشد . ما دست در زمانیکه جنبش مردم در حال اوجگیری بود یعنی تابستان ۵۷ ، هرگز نتوانستیم اوضاع و احوالهای جدی در آن ارزیابی کنیم و بر طبق آن فعالیت گروه را تنظیم نمائیم . عمل ماسد ها قداماروند اوجگیرند و جنبش خلق عقب بود و ما نقش مطلقاً غیر فعال بازی میکردیم .
نکاتی را که قوامند کردید مهم ترین نقاط ضعف گروه ما

بود که در زمینههای مختلف حیات و فعالیت گروه منعکس میگردد و ما در اینجا بجزئیات نپرداختیم . مسلماً بینش خرد موزروانی نتنها در زمینههای گوناگون شد ، بلکه در زمینه مشی سیاسی هم تأثیر داشته است . ما در بررسی گذشتگان و گروهیافتن کمبودها و انتقادات هم چنین باید مشی و مواضع سیاسی را نیز منقد انصود برقرار دهم . بررسی همچنان به این مسئله اماراد رأیند انجام خواهیم داد . و در اینجا تنها بیک مسئله عمل اهمیت زیاد آن اشاره میکنیم .
گروه ما اگر چه در زمینه تحلیل اوضاع جهانی و مسئله رقابت و جنگ افروزی و ابرق درت امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس و تأکید بر مبارزه انقلابی خلقها بعنوان تنها راه مبارزه علیه جنگ امپریالیستی در خطوط اساسی در ای مواضع صحیح بود و علیرغم مبارزات قطعانه ای که گروه ما علیه تئوری ارتجاعی " سبجان " نمود ، که بجز آن باید گفت گروه ما یکی از اولین نیروهای بود که آتش مبارزه تئوریک سیاسی را علیه این تئوری گشود ، اما ما در برخی موارد در چارنغزشتها ی تئوریک و سیاسی شدیم . ما در شماره اول " پیکار خلق " (اردیبهشت ۵۶) چنین نوشتیم : " در شرایط کنونی جهان ، و ابرق درت امپریالیستی آمریکا و روس بعنوان بزرگترین جنگ افروزان جهانی ، خود را بر ای چنین جنگی آماج همیازند و در این میان سوسیال امپریالیسم روس مشابه امپریالیسم توحاشستفخر عمده و جنگ جهانی را تشکیل میدهد " این موضع بغایت انحرافی با واقعیت جهان کنونی به هیچ وجه تطابق ندارد . زیرا که اولاً امپریالیسم آمریکا در ای مناطق نفوذ بیشتری نسبت به شوروی در مرحله جهانی بود و هوشیانه ترین وجهی بسرکوب خلقها میبرد از و ثانیاً بهمان انداز که امپریالیسم روس در حفظ و گسترش مناطق نفوذ خویش و جنگ اندازی بحریم سیطره رقیب آماج داشت که دست به برافروختن جنگ بزند ، بهمان انداز هم امپریالیسم آمریکا در حفظ و توسعه مناطق زیر سلطه خود و عقب راندن رقیب حاضر است که نیار ابرطوره جنگ جهانی سوم بکشد . بعلاوه امپریالیسم آمریکا حتی از شرایط بهتری برخوردار است و هر دو رت درک جنگ جهانی میباشند ، لذا این موضع کمشوری نسبت به آمریکا جنگ افروز تر است کاملاً انحرافی است . نتیجه این موضع انحرافی آن شد که رادامه همان مقاله نوشتیم : " خلقهای جهان بایستی بطور مستمر به هوشیاری خود افزود و موزروانی علیه جنگ افروزی و هژمونی طلایی و ابرق درت را بایستند مبارزه انقلابی خود علیه امپریالیسم و ارتجاع د اخلی پیش برند . توجه کافی به در مبارزه یعنی مبارزه بر ای رهایی ملی و انقلاب اجتماعی و مبارزه علیه جنگ افروزی و ابرق درت استیلا طلب روس و آمریکا تنها تا انکلی و آلترناتیو خلقها در مقابل این وظیفه تاریخی است " . ما اگر چه در اینجا روی مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع د اخلی تکیه میکنیم ، اما جدرن مبارزه بر ای رهایی ملی و انقلاب اجتماعی از مبارزه علیه جنگ افروزی و ابرق درت

بقیه صفحه ۸

اخبار کردستان

نقل از:

«سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان»

✱ «در تشییع جنازه شهید "اقبال شاد" مقدم "هزاران نفر از مردم مبارز و سنج باد از شعار "تا خون در رگ ماست حسینی رهبر ماست" شرکت می نمود. پاسداران فاشیست و جاسهای محلی به تظاهر کنندگان حمله آریامهری نمود، عددهای رزخی و زنان و دختران را شکنجه و با حفرهای رکیکه ده ابراد سنگیزوندانی مینمایند. در همین تظاهرات وقتی قهرمان شهید "ید الله فولادی" به وحشیان مغول اعتراض میکند که "در هیچ قانونی هتک حرمت زنان جایز نیست"، در سنگیزوند خدای جلا در اوبه جرم کوشش برای تشکیل حکومت کمونیستی، در ظرف نیم ساعت محاکمه و محکوم به اعدام مینماید. زهی جلا دی، زهی بی - شرمی و دروغ گوئی»

✱ «برگهای بازجویی با سئوالات مشخص از پیش آماده شده بود. بد سنگیزوند کان می گفتند "بالای ورقه بازجویی مشخصات خود را بنویسید و زیرورقه را امضاء کنید" در بیشتر موارد جواب سئوالات را خود شما هر طور که میخواستند می نوشتند. در دادگاه ظاهر شخص در سرنوشتش تأثیر داشت. مثلاً سبیل شلوار لی و پیراهن چینی - مثلاً یکی بقیه در صفحه ۷

اطلاعیه

اخیراً اردوستانه ریزبینیستی "سازمان انقلابی" اقدام به برگزاری کفرانس توطئه گرانهای نمود است. در روص ماهیت مرتجعانه این کفرانس تنها ذکر همین یک نکته کافی است که این آقایان کفرانس خود را در شرایطی جشن میگیرند که مرتجعین و گروههای فاشیست دست به سرکوب وحشیانه خلق و نیروهای انقلابی زد و داند و کمونیستها و انقلابیون را حتی به جرم پخش یک اعلامیه در سنگیزمی کنند.

در بین گروههایی که به این کفرانس پیام همبستگی دادند ما از جمله بنام "بخشی از گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست" بر میخوریم (زنجیر شماره ۲۷). هیأت اجراییه "گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست" (پیکار خلق) بدینوسیله به اطلاع همه نیروهای کمونیستی و انقلابی میرساند که این اصطلاح "بخشی از..." شامل چهار عنصر خیانت پیشرو مرتجع میشود که باد نیاله روی ارتوری رتجاعی "سه جهان" به مشی گروه ما و همچنین به خلق خیانت ورزیده و در ریائی ۱۶۳۰ رسماً از گروه ما خارج گردید. حمل نام گروه از طرف این عناصر مرتد تنها با خاطر بی حیثیت کردن نام و اعتبار گروه ما میباشد.

بمصدق برخورد انتقادی یک شمع چراغ راه آیند هاست، گروه ما چندی پیش فعالیت گشته و حال خود را مورد بررسی منقدانه قرار داد تا اینکه بتواند گامهای جدی در برابر طرف نمودن کمبودها و نواقص اساسی خود بردارد. انتقاد و انتقاد از خود کمرش اساسی کمونیستها میباشد باید بد و ترس از سواستفاده های دشمن جنبه علنی و عمومی بخود گرفته و در معرض قضاوت و توهنهای مردم قرار گیرد.

نگاهی انتقادی به گذشته گروه ما

برای اینکه بتوانیم تصویر نسبتاً روشنی از کمبودها و نواقص گروه را بدست دهیم، لازم است نخست نگاه بسیار مختصر و بتاریخچه گروه بینیم ازیم، تا اینکه روشن گردد که کمبودها و نواقص ما ناشی از چه عوامل و شرایطی بوده است. گروه ما در اواخر سال ۵۰ و اوایل ۵۱ در شرایط انشعاب و از هم گسیختگی جنبش چپ خارج از کشور و از رون طیف نامتجانس معروف به "کارها" بصورت یک محفل کوچک بوجود آمد. خصوصیات منفی محفل مابارت بود از:

- ۱ - افراد بسیار اندک و کم تجربه
 - ۲ - تمام افراد آن از روشنفکران خارج از کشور بود
 - ۳ - عمده زمینه فعالیتمان جنبش دانشجویی خارج از کشور بود
 - ۴ - فقدان یک خط روشنی و بین شده، برنامه، سیاست و انضباط سازمانی
- عوامل منفی فوق موجب آن گردید که محفل کوچک ما نتواند یک خط روشنی تدوین نمود و بهر پی به آن بکار سازماندهی بپردازد. محفل کوچک ما در برخی از مسائل مهم امروز مثل مسئله مشی چریکی کمبسیاری از جوانان انقلابی را مجذوب خود مینمود و یاد در تنزاد رست ائتلاف اید تئولوزیک - تئوریک - سیاسی که از طرف "سازمان انقلابیون کمونیست" (م - ل) بعنوان راه وحدت جنبش کمونیستی مطرح گردید بود و یا برخی از مسائل مربوط بخط روشنی اصلی جنبش دانشجویی خارج از کشور و آن زمان و غیره، مواضع نسبتاً روشن و صحیحی اتخاذ نمود. اما هنوز نما نظر سیاسی و نه از نظر سازمانی شکل نگرفته بود و هنوز تمام خصوصیات منفی کار محفلی بطور بارز بر آن غلبه داشت. فعالیت ما در این زمان محدود میگردد بد ترجمه و انتشار برخی از متون مارکسیستی بطور مشخص در رابطه با انتقاد از مشی چریکی و یاد در رابطه با مسائل جنبش دانشجویی. محفل ما در سال ۵۵ تصمیم وحدت با "سازمان انقلابیون کمونیست" (م - ل) که بعداً به اتحادیه کمونیستهای ایران تبدیل گردید، گرفت. اما حرایان تداریک اید تئولوزیک این وحدت بخاطر موجود بودن اختلافات اصولی در زمینه مسائل اصلی انقلاب ایران، از جمله مسئله حزب و جنگونی وحدت کمونیست ها، ب نتیجه نرسید. لازمتی که گراست که سازمان مزبور اگر چه رید و امر تا میل بسیار متحد شدن نشان میداد و حتی تصمیم سازمانی هم برای متحد شدن نگرفته بود، اما بر اساس همان تنزاد رست ائتلاف اید تئولوزیک - تئوریک - سیاسی، حاضر به مبارزه اید تئولوزیک بر روی مسائل مورد اختلاف نبود. به علاوه سکارسم، فرقه گرایی خود - مرکزینی جریان مزبور عامل مهمی بود که از بحث و گفتگو بیرون مسائل مورد اختلاف، علیه افشاری ما، جلوگیری و عملاً بخاطر بی توجهی و بی مسئولیتی جریان مزبور، کمخود ناشی از روحیه پد سالارانه و فرقه گرایی است، مسائل مورد بقیه در صفحه ۹

گرویدادها و اخبار کوتاه

تبریز روز شنبه ۳۱ شهریور رانندگان تاکسی که از اوضاع نابسامان اقتصادی کشور بیگانه شده بودند، جهت احقاق خواستههای خود دست از کار کشید و اتوبوسهای خود را در میادین و خیابانهای تبریز پارک میکنند، تا باین ترتیب صدای اعتراض خود را بگوش مردم برسانند. و سپس با اجتماع در مقابل استانداری خواهان صحبت با "مسئولین" شدند. دکتر ساروخانی فرماندار تبریز که از این اجتماع بخشم آمده بود بجای رسیدگی بخواستههای رانندگان به یکی از سه نماینده آنان حمله برده و وی را بپاد کتک میگرد. آری در حکومت وابستگان به امپریالیسم پاسخ زحمتکشان همیشه با چماق داده میشود.

ساری - بیش از ۱۰۰ راننده تاکسی بعنوان اعتراض به احتکار لوازم چد کی اتومبیل، دست از کار

به پیش در جهت ایجاد حزب کمونیست